

بارِ گران

محمدنیکویی

ساعت ۶:۵۷ دقیقه‌ی یک روز

تعطیل

در حالی که مشغول سیر و سفر در عالم خواب بودم ناگهان با صدای رعدآسای تلفن همراه به مانند فنر از جا پریدم. تصورم بر این بود که باز هم این اپراتور محترم... خبرنامه و یا پیامی تبلیغی را فرستاده است. در حالی که زیر لب غرولندکنان به تدبیر ناقص خود اعتراض می‌کردم که چرا این خدمت ویژه را فعال و بلا‌ی جان شیرینم کرده‌ام، در همان حالت خواندم که:

سلام، من ولی دانش‌آموز هستم. چون او درس نمی‌خواند گفتم به او زیاد تکلیف بدهید تا فرصت بازی کردن پیدا نکند. با تشکر

ساعت ۷:۵۷ دقیقه‌ی یک روز تعطیل

بعد از بیدار شدن و اینکه توانستم چهار جهت اصلی را از فرعی تشخیص دهم، حس کردم مطلبی پردازنده‌ی مرکزی ذهن مرا به خود مشغول داشته و سرعت اجرا را در من به حداقل ممکن رسانده است. ناگهان همچون پلنگ تیز تک با یورش به گوشی همراهم آن پیامک را مجدد خواندم. یک‌بار، دوبار، سه‌بار و... یاد جلسات آموزش خانواده و صورت جلسات باقی مانده از آن افتادم و شروع کردم به بررسی و یافتن نام آن ولی محترم در پنج جلسه‌ای که از ابتدای این سال تحصیلی برگزار کرده بودم که دیدم. به‌به! هر دم از این باغ بری می‌رسد. ایشان تنها در دو جلسه‌ی ابتدای سال شرکت نموده‌اند و بقیه‌ی جلسات را بنا به دلایلی حضور نداشته‌اند با دلی غمگین به درگاه دادار

متعال رو نمودم و این‌گونه نجوا کردم: «بار الهی، مگر این والدین کودکی خود را فراموش کرده‌اند؟ چرا قصد جلوگیری از بازی را که به مانند جان یک کودک است، دارند؟ در زمان کودکی خودشان، که بازی‌های محلی و روابط عاطفی بیشتری حاکم بوده است، لذت این بازی‌ها را چشیده‌اند و اکنون در زمان حاضر برای پر کردن حلقه‌ی مفقوده رابطه‌ی عاطفی با فرزندان‌شان به تکالیف درسی زیاد رو آورده‌اند؟ چه شده است که در مقام یک متخصص آموزشی ناآگاهانه چنین توصیه‌هایی می‌کنند؟ مگر سخن بزرگان را نشنیده‌اند که می‌فرمایند: «فرزندانتان را با توجه به مقتضیات زمان خودشان تربیت کنید». ولی بزرگوار، آموزش و پرورش باید به موازات یکدیگر باشد تا سبب تعالی و ترقی فرزندان عزیزتان شود. چرا با وجود تمام زحمات شبانه‌روزی‌تان، که الحق جای سپاس فراوان دارد، از توجه به بهداشت روانی فرزندان غافلید؟ تربیت کودک باید با بازی همراه باشد. ولی محترم، تکلیف باید با نیازهای رشد کودک‌تان هماهنگ باشد؛ یعنی علاوه بر حل مشکل باید حیطه‌های دیگری را نیز دنبال کند. بهترین راه‌حل این است که به جای دادن تکالیف زیاد، میل و انگیزه‌ی درونی دانش‌آموزان برای انجام فعالیت‌های آموزشی تحریک شود. کاش ما بزرگ‌ترها مسائل را از منظر و دیدگاه کودک‌انمان می‌دیدیم و از تجویز خودسرانه خودداری می‌کردیم، زیرا با انسان‌های آینده و روحشان سروکار داریم و باید نهایت دقت خود را به کار ببریم تا شهروندانی خوب و مطلوب به جامعه تحویل بدهیم.